

اهمیت مبحث الفاظ

در علم حقوق، ابزار اصلی کار یک حقوق‌دان کلمات و الفاظ است. یک حقوق‌دان با کلماتی که به زبان می‌آورد ادعای خود را ثابت می‌کند، از موکل دفاع می‌کند و لایحه می‌نویسد. در اصول فقه، بعد از مباحث مقدماتی، مهم‌ترین بحث «الفاظ» است. هدف ما این نیست که مانند یادگیری یک زبان جدید صرفاً دایره لغات را گسترش دهیم، بلکه هدف فهمیدن دقیق معانی و مفاهیم کلمات و یادگیری مهارت استفاده بجا از آنها در قراردادهای و محاکم است.

انسان‌ها از بدو خلقت برای رفع نیازهایشان ناگزیر از ارتباط با یکدیگر بودند. این ارتباط در ابتدا با زبان اشاره انجام می‌شد (مثلاً اشاره برای درخواست آب، ابراز گرسنگی، درخواست کمک یا ابراز علاقه). به مرور زمان، علائم دیداری و تصویری ابداع شد (مانند کشیدن عکس سیب با زغال). سپس انسان‌ها از آواها و نشانه‌های صوتی استفاده کردند (که امروزه نیز برای ارتباط با حیواناتی مانند شتر و کبوتر به کار می‌رود). در نهایت با ترکیب این صداها، کلمات اختراع شدند؛ مثلاً با کنار هم گذاشتن حروف «آ» و «ب»، کلمه «آب» برای نشان دادن آن مایع حیاتی ساخته شد.

مبحث وضع

تعریف وضع در لغت: به معنای قرار دادن است. مانند قرار دادن یک قلم یا مداد روی میز، یا زمانی که می‌گویند نمایندگان مجلس قانونی را وضع کردند (یعنی قانون قرار دادند).
تعریف وضع در اصطلاح: قرار دادن یک لفظ در مقابل یک معنا، به گونه‌ای که هرگاه آن لفظ به کار برده شود، آن معنا به ذهن مخاطب خطور کند.
مثال‌های استناد: وقتی لفظ «آب» گفته می‌شود، مایعی که تشنگی را برطرف می‌کند به ذهن می‌آید. وقتی کلمه «اتوبوس» گفته می‌شود، ماشین بزرگی که افراد زیادی را جابجا می‌کند در ذهن تداعی می‌شود؛ پس می‌گوییم لفظ اتوبوس برای آن وسیله نقلیه خاص وضع شده است.

ارکان وضع

هر وضع دارای سه رکن اساسی است:

۱. واضع: کسی که لفظ را برای یک معنا قرار می‌دهد. مانند پدر، مادر یا پدربزرگی که اسمی را برای کودک انتخاب می‌کند، یا شهرداری که نامی را روی خیابان می‌گذارد.
۲. موضوع: خود آن کلمه و لفظی که قرار داده شده است. مانند لفظ «مریم»، لفظ «گل‌ها» و لفظ «آزادی».
۳. موضوع له: آن معنا، شیء، مکان یا شخص خاصی که لفظ برایش قرار داده شده است. مانند خود آن نوزاد، آن خیابان خاص، یا خود میدان آزادی (که در جنوب غربی تهران است).

انواع وضع

وضع به دو قسم کلی تقسیم می‌گردد:

۱. وضع تعیینی: لفظی است که توسط شخص خاصی، با اراده آن شخص برای معنایی قرار داده شود.
مثال‌های استناد: قرار دادن کلمه «زنبق» یا «پتوس» برای یک گیاه خاص. تعیین اسامی شهرها توسط وزارت کشور. تعیین نام خیابان‌ها و میدان‌ها توسط شهرداری. انتخاب نام برای نوزاد توسط والدین.
نکته مهم استناد: در حقوق، توجه به تلفظ این کلمات بسیار مهم است. مثلاً حروفی مانند (م ل ک) بسته به تلفظ می‌تواند ملک، مَلِک (پادشاه) یا مَلْک (فرشته) خوانده شود. یا کلمه مُنْکَر (انکارکننده دعوا) با کلمه مُنْکَر (عمل ناپسند) تفاوت دارد.

۲. وضع تعینی: در این نوع وضع، اراده شخص خاصی در کار نیست، بلکه یک لفظ بر اثر تکرار و کثرت استعمال (کاربرد زیاد) برای یک معنا قرار داده می‌شود.

مثال‌های استناد:

- روستاهایی با پسوند آباد: مانند قاسم آباد، علی آباد، اکبر آباد. شخصی به نام قاسم خانه‌ای ساخته و درختی کاشته، دیگران هم آمده‌اند و به مرور این منطقه به خاطر تکرار نام او، قاسم آباد نامیده شده است.
- شهر مدینه: نام اولیه این شهر یثرب بود، اما پس از مهاجرت پیامبر، مردم مدام گفتند به «مدینه النبی» (شهر پیامبر) می‌رویم. این کلمه آنقدر تکرار شد که امروز لفظ مدینه خودبه‌خود برای شهر یثرب وضع شده است.
- کلمه قانون: این کلمه در ابتدا (با وضع تعیینی) به معنای خط‌کش (مثلاً خط‌کش ۳۰ سانتی چوبی یا فلزی) بود. اما چون مقررات نیز مانند خط‌کش وسیله سنجش حق و باطل هستند، بر اثر کاربرد زیاد، امروزه برای مقررات وضع شده است (مانند قانون مدنی، قانون کار، قانون مجازات، قانون مسئولیت مدنی، قانون تجارت).
- القاب افراد: لقب‌های خوب (مثل آهو برای چشمان زیبا یا لقبی برای نشان دادن سخاوت) و لقب‌های ناپسند، غالباً به صورت تعینی روی افراد گذاشته می‌شوند.

تقسیمات الفاظ

الفاظ به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. یک لفظ با یک معنا: به آن «مختص» یا «تک معنا» نیز گفته می‌شود. بیشتر کلماتی که در مکالمات روزمره، متون قانونی و لوایح به کار می‌بریم از این نوع هستند و معمولاً اختلافی در آنها نیست.
۲. چند لفظ با یک معنا: به آنها الفاظ «مترادف» می‌گویند.
۳. یک لفظ با چند معنا: به آن لفظ «چند معنا» می‌گویند که خود دارای سه قسم است. فلش‌کارت داری، به من بگو.

موفق باشی هم کلاسی عزیز